

جداشده از هم عصران: خوانشی فوکویی از دون ژوان اثر لرد بایرن

امیر ریاحی نوری (دانشجوی دکتری زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه تهران، ایران، نویسنده مسوول)

ariahinouri@ut.ac.ir

فاضل اسدی امجد (دانشیار زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران)

Asadi@khu.ac.ir

چکیده

بر اساس نظریات میشل فوکو شیوه جداسازی از ابزارهای حائز اهمیت جوامع غربی برای کنترل و منکوب کردن بخشی از اعضای جامعه است. در پژوهش حاضر علت جدا شدن لرد بایرن از سایر شاعران انگلستان در قرن نوزدهم و به حاشیه رانده شدن وی بر پایه نظریه جداسازی فوکو با استناد به خوانش ابیاتی از شاهکارش *دون ژوان* مورد کاوش قرار گرفته است. در این راستا تمایلات کمال‌گرایانه روشنفکران عصر رمانتیک در ارائه و ساخت مدلی از آرمان‌شهر و جامعه آرمانی بر پایه انقلاب فرانسه، عنصر تصور و خیال شاعر و شکست ارتش فرانسه توسط سپاه بریتانیا بررسی شده است. علاوه بر آن هججه‌ها و انتقادهای بی‌امان منتقدان و سایر شاعران هم عصر لرد بایرن در خصوص وجود انحطاط اخلاقی و بی‌بندوباری در شعر *دون ژوان* مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در خاتمه، این مقاله به بررسی واکنش و پاسخ لرد بایرن به تمایلات آرمان‌گرایانه هم عصرانش و سیل حملات و اتهام‌های منتقدان علیه شاهکارش *دون ژوان* پرداخته است.

کلیدواژه‌ها: میشل فوکو، لرد بایرن، آرمان‌شهر، *دون ژوان*، شیوه جداسازی.

مقدمه

جرج گُردن^۱ معروف به لرد بایرن^۲ در ۲۲ ژانویه سال ۱۷۸۸ در شهر لندن دیده به جهان گشود. مادرش کاترین گُردن^۳ اهل اسکاتلند و پدرش کاپیتان جک بایرن^۴ ملقب به "جک

- 1 George Gordon
- 2 Lord Byron
- 3 Catherine Gordon of Gight
- 4 Jack Byron

دیوانه^۱ بود. برتراند راسل در کتاب *تاریخ فلسفه غرب*^۲ یک فصل کامل را به لرد بایرن و بایرنیسم اختصاص می‌دهد. لرد بایرن در سرتاسر اروپا چهره‌ای بانفوذ و تأثیرگذار است که تأثیرش را نه تنها بر "نویسندگان معمولی بلکه بر بزرگان و مشاهیر ادبیات و فلسفه از جمله بالزاک^۳ و استندال^۴ در فرانسه، گوته^۵ در آلمان، پوشکین^۶ و داستایوسکی^۷ در روسیه، و مرویل^۸ مرویل^۹ در آمریکا می‌توان احساس کرد" (ابرامز، ۱۹۹۳، ص ۴۵). از دیدگاه تی اس الیوت لرد بایرن از هر دو خصیصه پرومته‌ای و آزادی‌طلبی بهره برده است که البته این میل بایرن به آزادی "با تصویر وی به‌عنوان فردی عملگرا در حوادث یونان گره‌خورده است" (الیوت، ۱۹۷۵، ص ۲۶۳).

لرد بایرن در سال‌های اخیر بیشتر از گذشته مورد توجه منتقدان و پژوهشگران حوزه ادبیات و هنر در ایران قرار گرفته است. در این زمینه می‌توان به چند مقاله از جمله "بررسی دیالکتیک خدایگان و بنده در مرگ یزدگرد اثر بهرام بیضایی و *سارداناپالس* اثر لرد بایرن" نگارندگان دکتر سید محمد مرنندی و فاطمه اکبری (نشریه *ادبیات تطبیقی* دانشگاه باهنر کرمان-۱۳۹۱) و "درام دوره رمانتیسم و تأثیر آن بر نمایشنامه‌نویسان معاصر" به قلم دکتر بهزاد قادری به همراه چند ترجمه از جمله *لرد بایرن، شاعر انگلیسی (۱۸۲۴-۱۷۸۸)* ترجمه همایون نوراحمد (نشریه فرهنگ و هنر-شعر، زمستان ۱۳۸۳)، *معاشقات لرد بایرن* نوشته آندره موروا ترجمه ناصر ایراندوست اشاره کرد. از جمله کتاب‌های تألیف شده در این زمینه می‌توان به کتاب *شعرهای جنگ انگلیسی در عصر رمانتیک*، اثر بتی بنت^۹ که دربرگیرنده گزیده‌ای از اشعار سروده شده در قرن نوزدهم در باب جنگ است، *ناتورالیسم در ادبیات قرن نوزدهم انگلیس* به نویسندگی

1 Mad Jack

2 *History of Western Philosophy* by Bertrand Russell

3 Honore' de Balzac

4 Stendhal

5 Johann Wolfgang Goethe

6 Aleksandr Pushkin

7 Fyodor Dostoevsky

8 Herman Melville

9 *British War Poetry in the Age of Romanticism* by Betty Bennett

جورج براندز^۱ که به بررسی فضای سیاسی حاکم بر بریتانیای قرن نوزدهم به همراه پیدایش ناتورالیسم از دل مکتب رمانتیسم می‌پردازد و ناشر و دوستان به قلم ساموئل اسمیلز در مورد جان موری ناشر وابسته به حزب حاکم در عصر لرد بایرن اشاره کرد. شایان ذکر است که کتاب‌نامه‌ها و خاطرات لرد بایرن (۹۴-۱۹۱۳) به قلم لسلی مارچاند شامل نامه‌های لرد بایرن به اشخاص مختلف از جمله جان موری، ناشر بخش‌هایی از *دون ژوان* (۱۸۲۳-۱۸۱۸)، منبع باارزشی جهت پژوهش پیرامون این چهره برجسته در حوزه ادبیات است.

به‌رغم بزرگی و شکوه بیش از وصف، این شاعر شهیر هرگز از هجمه خیل عظیمی از منتقدان و سایر شاعران هم‌عصر خویش (به‌استثناء شلی^۲) در امان نبوده است. برای نمونه در سال ۱۸۰۸/دینبرگ ریویو از *ساعات بیکاری*^۳ لرد بایرن (۱۸۰۷) با عنوان وقت‌گذرانی نوجوان نوجوان اشرافی در عنوان [اثر] یاد می‌کند که موجب هجمه انتقام‌جویانه لرد بایرن در کتاب *شاعران انگلیسی و منتقدان اسکاتلندی*^۴ (۱۸۰۹) می‌شود. سیل این حملات و انتقادهای علیه شخصیت و آثار بایرن به‌گونه‌ای است که وی به فساد و بی‌بندوباری محکوم می‌شود و ضمن ترک بریتانیا سال‌های پایانی عمر خویش را در تبعیدی اختیاری به سر می‌برد.

آنچه این مقاله در جستجوی پاسخ‌گویی به آن است چرایی جدا ماندگی لرد بایرن از سایر هم‌عصرانش و به حاشیه رانده شدن وی با اتکا به نظریه "جداسازی" فیلسوف، باستان‌شناس و مورخ شهیر قرن بیستم میشل فوکو (۱۹۸۴-۱۹۲۶)^۵ و کاوش پیرامون شخصیت لرد بایرن با استناد به خوانش ابیاتی از شاهکارش *دون ژوان* است. در این راستا به بررسی تمایلات کمال‌گرایانه شاعران رمانتیک در ارائه و ساخت الگوی جامعه آرمانی ابتدا بر پایه انقلاب فرانسه و سپس در عنصر موجود در رؤیا و تصور شاعر و همچنین در حوادث پس از جنگ واترلو خواهیم پرداخت. علاوه بر آن حملات و انتقادهای هم‌عصران لرد بایرن نسبت به فساد

1 *Naturalism in Nineteenth Century English Literature* by Georg Brands

2 Percy Bysshe Shelley

3 *Edinburgh Review*

4 *Hours of Idleness*

5 *English Bards and Scotch Reviewers*

6 Michel Foucault

و بی‌بندوباری موجود در شعر *دون ژوان* جهت حذف و جداسازی هم‌زمان شعر و شاعر مورد بررسی و کاوش قرار می‌گیرد. سرانجام به بررسی پاسخ لرد بایرن به گفتمان یاد شده و حملات منتقدان خواهیم پرداخت. لازم به ذکر است که با توجه به حضور جنبه‌های گوناگون سیاسی، تاریخی و فرهنگی در این مقاله، دور از ذهن نخواهد بود که پژوهش ارائه شده مورد اقبال علاقه‌مندان به تاریخ، علوم سیاسی و مطالعات فرهنگی واقع شود. در پایان، ذکر این نکته ضروری است که پژوهش روی متن انگلیسی اشعار یادشده انجام پذیرفته و از آنجایی که منابع مورد استفاده در این مقاله جملگی به زبان انگلیسی هستند، نگارندگان خود به ترجمه جملات برگزیده و نقل قول‌ها اهتمام ورزیده‌اند.

بحث و بررسی: شیوه جداسازی

پایه‌های تاریخ‌گرایی نوین را باید در عقاید فیلسوف، باستان‌شناس و مورخ شهیر قرن بیستم میشل فوکو جست. تاریخ‌گرایی نوین در کلام تری ایگلتون "وقایع گذشته را با در نظر گرفتن رویدادهای جاری تبیین می‌کند" (ایگلتون، ۲۰۰۸، ص ۱۹۸). ادبیات در تاریخ‌گرایی نوین نقشی فرا-تاریخی مستقل از شرایط تاریخی، فرهنگی، اقتصادی و غیره ندارد؛ بلکه متن ادبی حاصل مکالمه میان صداهای مختلف است. از دیدگاه فوکو تاریخ ساختاری خطی ندارد، در عوض تاریخ درهم‌تنیدگی گفتارهای متفاوت است. به کلامی دیگر تاریخ دربرگیرنده راه‌های گوناگونی است که با تمسک به آن‌ها انسان‌ها به تفکر و گفتگو با جهان پیرامون می‌پردازند. چگونگی تأثیر این گفتارها بر یکدیگر از دیدگاه میشل فوکو فرایندی تصادفی نیست، بلکه متأثر از مؤلفه‌هایی است که فوکو آن‌ها را اپیستم^۱ می‌نامد. هر عصر تاریخی به‌وسیله "زبان" و "اندیشه" استنباط و تلقی خود را از حقیقت و عناصر سازنده آن بنا می‌کند و معیارهای رفتار "قابل قبول" و "غیرقابل قبول" را به همراه قضاوت در خصوص خیر و شر بیان می‌کند.

همان‌گونه که باستان‌شناس به کاوش و تفحص در لایه‌های مختلف زمین می‌پردازد و سپس با قرار دادن اجزا و تکه‌های مختلف کشف شده در کنار هم اقدام به بازسازی گنجینه تاریخی

می‌کند، مورخ نیز برای یافتن اپیستم‌های هر عصر تاریخی می‌بایست به کاوش پیرامون گفتارها و مؤلفه‌های آن عصر پردازد و نسبت به بررسی رابطه و تأثیر هریک از آنها بر یکدیگر و همچنین بر مجموعه اهتمام ورزد. فوکو بر این نکته تأکید می‌کند که مورخ می‌بایستی بر این اصل واقف باشد که حتی خود وی نیز ناگزیر از تأثیر اپیستم‌های جاری در عصر خود است. آنچه نتیجه گرفته می‌شود این است که حتی خود شخص مورخ نیز نمی‌تواند ادعای بی‌طرفی کند. بر این اساس مورخ ناگزیر است قبل از کاوش پیرامون هر اثر تاریخی با تمایلات خود مواجه شده و در پیدا کردن حقیقت معترف به وجود خواهش‌ها و تمایلات در ذهن خود گردد که منجر به نفی بی‌طرفی کامل شخص خود می‌شود. در نتیجه، تاریخ‌گرایی نوین وجه انسان‌محورانه متن را که ذهن انسان را حاصل ادغام و اشتراک بنیادی میان " نویسنده اثر هنری، شخصیت‌های موجود در متن و خواننده اثر " (ابرامز، ۱۹۵۷، ص ۲۵۰) می‌داند "زاده گفتمان نظام سرمایه‌داری و بورژوازی" (همان) می‌داند. بر این اساس خواننده نیز همانند نویسنده محصول اپیستم و شرایط ایدئولوژیک عصر خود است.

فوکو تمرکز پژوهش‌های سال‌های پایانی زندگی خود را بررسی علل ایجاد تغییرات بنیادی در اعصار گوناگون قرار می‌دهد. کتاب‌های میشل فوکو از جمله تاریخ جنون در عصر کلاسیک^۱ (۱۹۶۱)، پیدایش درمانگاه^۲ (۱۹۶۳)، نظم/اشیاء^۳ (۱۹۶۶)، مراقبت و تنبیه^۴ (۱۹۷۵) و اراده/دستن^۵ (۱۹۷۶) مملو از نمونه‌هایی از جایگزینی گونه‌ای از دانش توسط گونه‌ای دیگر می‌باشند. وی هدف مطالعات سال‌های پایانی زندگی خود را "پدید آوردن تاریخی از روش‌های مختلف [بیان می‌کند] که توسط آنها انسان‌ها تحت سلطه درمی‌آیند" (فوکو، ۱۹۸۲، ص ۲۰۸). بر این اساس، یکی از برجسته‌ترین روش‌های منکوب کردن انسان‌ها " شیوه جداسازی"^۶ است که به وسیله آن "شخص به شیء تحت پژوهش و منکوب [نهاد] قدرت

1 *Madness and Civilization*

2 *The Birth of the Clinic*

3 *The order of Things*

4 *Discipline and Punish*

5 *The History of Sexuality*

6 *Dividing Practices*

تبدیل می‌گردد" (اسمارت، ۲۰۰۲، ص ۱۰۴). برای مثال میشل فوکو در کتاب تاریخ تمدن (۱۹۶۱) شخص جذامی را مظهر این شیوه جداسازی و در نتیجه مطرود جامعه در قرون وسطی معرفی می‌کند. در این راستا جذامی‌ها را در قرون وسطی از سایر افراد جامعه جدا می‌کردند و در جذامی‌کده‌هایی^۱ نگهداری می‌کردند که به این منظور آماده کرده بودند. "تنها انگلستان و اسکاتلند در قرن دوازدهم ۲۲۰ جذامی‌کده برای جمعیتی بالغ بر یک و نیم میلیون نفر گشودند" (فوکو، ۱۹۷۳، ص ۵).

از دیدگاه میشل فوکو شیوه جداسازی با ریشه‌کنی بیماری جذام به دنبال سیاست‌های جداسازی مبتلایان از سایر جمعیت و قطع ارتباط با عامل شرقی عفونت بیماری با پایان یافتن جنگ‌های صلیبی منسوخ نگردید. در نتیجه جوامع غربی به دنبال قربانی جدیدی بودند که جایگزین فرد جذامی گردد. بر این اساس، در دوره رنسانس دیوانه، فقیر و خانه‌به‌دوش و در قرون نوزدهم و بیستم زندانی و منحرف جنسی جایگزین فرد جذامی قرون وسطی شدند و جذامی‌کده‌ها جای خود را به زندان و کلینیک‌های روان‌پزشکی دادند. میشل فوکو همانند منتقد مارکسیست لویی آلتوسر^۲ ایدئولوژی را همه‌جا حاضر می‌بیند. بر اساس نظریات فوکو، بسیاری از مردم در جوامع اروپایی [به‌اشتباه] جایگاه قدرت را درون دولت و مجری شیوه جداسازی را نیروهای نظامی و انتظامی می‌دانند. بر خلاف این تصور میشل فوکو معتقد است که نیروهای نظامی و انتظامی از ابزار قهریه دولت‌ها می‌باشند که در برابر کسانی استفاده می‌گردد که از دولت تمکین نمی‌کنند. فوکو بر این باور است که دولت شیوه جداسازی را به‌وسیله نهادهایی به‌ظاهر مستقل از جریان‌های سیاسی از جمله نهادهای اجتماعی، درمانی و یا آموزشی بر ملت‌ها اعمال می‌کنند. بر اساس آنچه ذکر گردید میشل فوکو شیوه جداسازی را از ابزارهای جامعه غربی برای تحت سلطه درآوردن جمعیت خود می‌داند. بر این اساس چنین جوامع با ایجاد "دیگری" به جداسازی وی از سایر اعضاء جامعه می‌پردازد.

1 lazar houses

2Louis Althusser

جدا شده از هم عصران: کمال‌گرایی و آرمان‌شهر

میشل فوکو پاسخی به سؤال فونس الدرز^۱ که چرا به سیاست علاقه‌مند است نمی‌دهد؛ زیرا از دیدگاه وی پاسخ سؤال در خود آن نهفته است. به جای آن فوکو به بیان این نکته می‌پردازد که چگونه به سیاست علاقه‌مند است. وی با دیده تردید به گرایش جوامع غربی در ساخت آرمان‌شهر می‌نگرد و می‌گوید که قادر به توصیف و ارائه مدلی برای جامعه ایده‌آل نخواهد بود. بر خلاف آن، فوکو معتقد است که وظیفه روشنفکران جامعه به جای ساختن آرمان‌شهر آشکار ساختن راه‌هایی است که از طریق آن‌ها "قدرت خودسیاسی به کنترل و سرکوب بدنه جامعه می‌پردازد" (فوکو - چامسکی، ۲۰۰۶، ص ۴۰). البته چنین فردی در معرض سیاست جداسازی از جامعه توسط قدرت سیاسی قرار گرفته و به حاشیه رانده می‌شود.

وجود نوعی گفتمان بدبینانه و خودداری از پذیرش و استهزاء مدل‌های کمال‌گرایانه هم‌عصرانش از جامعه آرمانی را می‌توان در زمره مواردی دانست که لرد بایرن را در معرض سیاست جداسازی گفتمان غالب در عصر رمانتیک قرار می‌دهد. شاعران عصر رمانتیک کمال‌گرایانی بودند که بلندپروازانه در جست‌وجوی آرمان‌شهر خویش و افق‌های دوردست بوده‌اند. اینان در جست‌وجوی کمال در ابتدا آرمان‌شهر خویش را در انقلاب فرانسه می‌جستند و آن را دریچه‌ای برای آغاز جهانی نوین حاصل از ازدواج نمادین زمین و آسمان می‌دیدند؛ آرمان‌شهری که وعده آن در باب مکاشفه^۲ انجیل داده شده است. از دیدگاهی دیگر انقلاب فرانسه "حاصل اندیشه و انتشار اندیشه بود" (داف، ۱۹۹۸، ص ۲۷). حوادث پس از انقلاب فرانسه و ظهور فردی خودکامه چون ناپلئون بناپارت^۳، روشنفکران رمانتیک را از ساخت آرمان‌شهر بر پایه انقلاب فرانسه دچار یأس و دلزدگی کرد. البته این سرخوردگی منجر به از بین رفتن امید به ساخت آرمان‌شهر نشد. در این راستا گروهی از روشنفکران رمانتیک ضمن حفظ این امید، تمایلات کمال‌گرایانه خویش در ساخت آرمان‌شهر را از تمایلات سیاسی به تمایلات ذهنی انتقال داده و چنین جامعه ایده‌آلی را در تخیل شاعرانه خویش برپا کردند. گروه

1 Fons Elders

2 The Book of Revelation

3 Napoleon Bonaparte

دیگر از هم‌عصران لرد بایرن نیز آرمان‌شهر خویش در حوادث پس از نبرد واترلو و جامعه برخاسته از دولت محافظه‌کار بریتانیا پس از شکست ناپلئون می‌دیدند.

دسته‌ای از شاعران رمانتیک که امید به ساخت آرمان‌شهر خویش بر پایه انقلاب فرانسه را از دست رفته می‌دیدند، آن را این بار در تخیل و ذهن خویش احیاء کردند که در آن بر نوعی دیگر از مشاهده تأکید کردند. برای نمونه می‌توان به کتاب *سارتر ریسارتس*^۱ اثر توماس کارلایل^۲ اشاره کرد که در آن نویسنده امید به آرمان‌شهر را در تخیل و ذهن خود زنده نگاه می‌دارد. "من در زمین و [به‌سوی] آسمان دیگری چشم گشودم... و چشم عقل خویش را اکنون گشوده و غل و زنجیر از دستانم زدودم" (کارلایل، ۲۰۰۱، ص ۱۳۳). نکته حائز اهمیت این است که این آرمان‌شهر حاصل از ایجاد نظامی نوین در ذهن و خیال نویسنده است و هیچ‌گونه وجود خارجی ندارد. ویلیام بلیک^۳ نیز با تأکید بر اهمیت عنصر خیال و تصور ماهیت اثر خویش را "بر پایه رؤیا و تصور" (بلیک، ۱۹۰۷، ص ۶۹) می‌داند که "در تلاش است نسبت به بازسازی آنچه پیشینیان عصر طلایی می‌نامیدند اهتمام ورزد" (همان). در نتیجه بلیک در احیای آرمان‌شهر نقش حیاتی را به عنصر تصور می‌دهد و چنین ادعا می‌کند که "تنها عقل‌گرای ابله به تمسخر صاحب تصور و خیال می‌پردازد" (همان، ۵۱). در نتیجه این گروه از روشنفکران رمانتیک با بهره‌گرفتن از استعاره "ازدواج" سعی در زنده نگاه‌داشتن کمال‌گرایی و گفتمان خوشبینانه خویش داشته‌اند که این آرمان‌شهر در کلام ابرامز محصول "ازدواج بین تخیل آن‌ها و جهان خارجی است" (ابرامز، ۱۹۹۳، ص ۱۳). برای نمونه می‌توان به شعر "دل‌مردگی، یک قصیده"^۴ کلریج^۵ اشاره نمود که شاعر در آن با اشاره به زمین و آسمانی نوین اقدام به بازآفرینی آرمان‌شهر در ذهن خویش می‌کند که حاصل «پیوند قوه تخیل و جهان پیرامون وی می‌باشد» (همان).

- 1 *Sartor Resartus*
- 2 Thomas Carlyle
- 3 William Blake
- 4 "Dejection, An Ode"
- 5 Samuel Taylor Coleridge

گروه دیگر از هم عصران لرد بایرن آرمان شهر خویش را در انگلستان پس از جنگ واترلو و هزیمت ناپلئون بناپارت می‌دیدند. این دسته از شاعران که از حوادث پس از انقلاب فرانسه سرخورده گردیده بودند و ظهور ناپلئون را عامل ویرانی آرمان شهر خویش می‌دانستند به مذمت ناپلئون پرداخته و حذف وی را نقطه عطفی در ساخت جامعه آرمانی می‌دانستند. برای نمونه به شعری از ویلیام توماس فیتزجرالد تحت عنوان "نبرد واترلو"^۱ می‌توان اشاره کرد که در کتاب شعر جنگ در عصر رمانتیک نوشته بتی بنت موجود است. فیتزجرالد در این شعر به توصیف رذایل ناپلئون و ویرانی حاصل از آن می‌پردازد. وی شخص ناپلئون را عامل تباهی و ویرانی آرمان شهر زمانه خویش می‌داند.

چه بسیار است قتل‌عام‌هایی که در عهد فرمانروایی او به وقوع پیوست.
بسیار استخوان‌ها که از رنگ آن‌ها دشت محنت بار جافا [بندری در فلسطین اشغالی] به
سپیدی گرایید.

و استخوان‌هایی که سرزمین‌های زیرین آسمان‌های شمالی را به رنگ سپید درآوردند.
همه آن‌ها فریاد عدالت و دادخواهی از جور [بناپارت] سر می‌دهند.

(فیتزجرالد، صص ۹-۵).

نکته حائز اهمیت در ابیات فوق این است که توماس فیتزجرالد امید رستگاری و ساخت جامعه ایده‌آل را در نبرد با ناپلئون توسط ارتش بریتانیا و فرمانده انگلیسی آن دوک ولینگتون^۲ می‌بیند و افتخار قطع ید ستمگر خبیث نصیب دولت بریتانیا و شخص دوک ولینگتون می‌شود.
"در این لحظات یأس و سرخوردگی از سوی خدا فرمان می‌رسد
که قدرت [شاه] خودکامه به دست بریتانیا زوال یابد"^۳

(همان، صص ۱۹-۱۸).

رابرت سوئی^۳ ملک الشعرا و وابسته به حزب محافظه‌کار نمونه دیگری از این گروه شاعران رمانتیک است که آرمان شهر خویش را در حوادث پس از جنگ واترلو جستجو می‌کند. وی نیز

1 "The Battle of Waterloo" by William Thomas Fitzgerald

2 Wellington

3 Robert Southey

که کشور فرانسه و شخص ناپلئون بناپارت را مانعی در ساخت آرمان شهر می بیند به دفاع تمام عیار از جنگ با دولت فرانسه می پردازد و خواستار شکست و نابودی ناپلئون می شود. بتی بنت در کتاب *شعرهای جنگ انگلیسی در عصر رمانتیک* به وجود نوعی دوگانگی در رفتار این ملک الشعرا اشاره می کند که اگرچه همانند گروه اول از شاعران رمانتیک از جمله وردزورث و کلریج، رابرت سوئی روزگاری اندیشه های ضد جنگ داشت، اما به مدافع تمام قد گفتمان جنگ علیه دولت فرانسه تبدیل می شود. برای مثال هنگام مذاکرات صلح با ناپلئون، رابرت سوئی همانند توماس فیتزجرالد به ذکر رذایل ناپلئون می پردازد و ضمن انتقاد از این مذاکرات در شعر "قصیده ای در باب مذاکره با بناپارت، در ژانویه ۱۸۱۶" خواستار جنگ در اروپا و حذف ناپلئون می شود.

هنگامی که خون [افراد] بی گناه

از چهار گوشه دنیا فریاد می زند

برای [اجرای] عدالت از [جنایت های] آن ملعون

(سوئی، ۱۸۹۹، 5-7، I)

شعر "زیارت شاعر" رابرت سوئی همانند ابیات یاد شده از توماس فیتزجرالد در شعر "نبرد واترلو" به برشمردن رذایل ناپلئون پرداخته و نبرد واترلو را به پیش درآمد حصول پیروزی بزرگ و ساخت آرمان شهر تشبیه می کند؛ اگرچه مجدداً این افتخار نصیب بزرگان حزب محافظه کار و شخص دوک ولینگتون می شود.

و چگونه چشمان چون عقاب فرمانده بزرگ [سپاه] ما

که همه چیز را در می یافت پیروزی را استوار کردند.

(سوئی، ۱۸۹۹، 5-6، xxxII)

بر خلاف آنچه گفته شد لرد بایرن خویشتن را همانند هم عصرانش خوشبینانه به ساخت آرمان شهر مشغول نمی سازد و آنچه از فریاد وی به گوش می رسد بانگ بدبینی و منفی نگری

1 "Ode Written during the Negotiations with Bonaparte, in January 1814"

2 "The Poet's Pilgrimage"

است. پاسخ لرد بایرن به اولین گروه یاد شده از شاعران رمانتیک نوعی بدبینی نسبت به انسان و سرنوشتش است. لرد بایرن وجود چنین امیدی را در انسان عبث و بیهوده می‌داند. برای نمونه به بیت‌ی از *دون ژوان* اشاره می‌کنیم که در آن بایرن به کمال‌گرایی و بلندپروازی هم‌عصرانش در میل به جاودانگی به دیده تردید می‌نگرد.

انسان را چه به امید؟ پادشاه مصر باستان
چئوپس^۱ اولین هرم [از اهرام مصر] را بنا کرد،
و بزرگ‌ترین [آن‌ها را]، با این خیال که آن بنا خاطره‌اش را
زنده نگاه خواهد داشت. و مومیایی وی را پنهان کردند.
درحالی‌که کسانی کاوشگرایانه
در تابوت را به قصد دزدی باز کردند.
مگذار که بنای یادبودی به من و تو امید واهی دهد،
چراکه تنها مستی از خاک از چئوپس به جا مانده است.

(بایرن، ۱۹۷۳، 219، I)

در پاسخ به گروه دوم از روشنفکران رمانتیک که ساخت آرمان‌شهر را در شکست سپاه فرانسه و به‌وسیله قهرمانان ارتش بریتانیا تصور می‌کردند لرد بایرن هیچ قهرمانی را در کشور و زمانه خویش نمی‌بیند، به‌گونه‌ای که در شاهکارش *دون ژوان* جست‌وجوی قهرمان را تقاضایی نامعمول می‌داند. بایرن ناتوان از پیدا کردن قهرمان در عصر خویش روی به تاریخ می‌آورد و قهرمانش را در تاریخ می‌جوید. ذکر این نکته ضروری است که در انتخاب قهرمان داستان از کشوری غیر از بریتانیا و عصری غیر از زمانه خود انگیزه‌هایی سیاسی نهفته است که نافی امکان ساخت آرمان‌شهر در عصر و کشورش است.

قهرمانی می‌خواهم. عجب خواسته نامتعارفی
در زمانه‌ای که هر سال و ماه قهرمانی جدید برمی‌خیزد،
تا اینکه پس از دلزده کردن خبرنگارها با ریا و تزویر،

زمانه درمی‌یابد که این قهرمان پوشالی بود.
پس من دوست کهنمان دون ژوان را فرامی‌خوانم.

(بایرن، ۱۹۷۳، I, 1)

لرد بایرن علاوه بر استهزاء رابرت سوئی در تقدیم‌نامه دون ژوان و هجو این ملک‌الشعرای وابسته به حزب محافظه‌کار، در شعر رؤیای رستاخیز نیز وی را به شدت مورد نقد و تمسخر قرار می‌دهد. لرد بایرن در مقدمه شعر رؤیای رستاخیز چنین می‌نویسد که "تملق فاحش، وقاحت ملال‌انگیز، کوتاه‌فکری نابکارانه و ریای زنده شاعر "Wat Tyler" [سوئی] جهت کسب مقام متعالی بسیار ابلهانه است که البته در بردارنده مظهر خصایلش می‌باشد" (بایرن، ۱۹۲۶، مقدمه).

بر این اساس، لرد بایرن جامعه برآمده پس از جنگ واترلو را به هیچ جامعه‌ای آرمانی نمی‌بیند و حماسه‌سرایان آن را افرادی متملق می‌داند که از مدح هیچ‌یک از اصحاب قدرت دریغ نکرده‌اند. برای مثال، از دیدگاه بایرن رابرت سوئی پیمان‌گسلی نابکار است که قلمش را در حمایت از حزب حاکم و پادشاهی ظالم قرار داده که عامل جنایت و کشتار در آمریکا، ایرلند و فرانسه بوده است.

وی [سوئی] مدح شاه‌کش را نوشته،

همچنین مدح همه پادشاهان را نوشته.

او در وصف همه جمهوری‌ها نوشته،

البته نقد همه آن‌ها را نیز بسی تلخ‌تر نوشته.

رتال جامع علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
(بایرن، ۱۹۲۶، xcvi)

جدا شده از هم‌عصران: دون ژوان و ارزش‌های اخلاقی

دون ژوان شاهکار لرد بایرن بین سال‌های ۱۸۱۸ تا ۱۸۲۳ هنگام مرگ وی به رشته تحریر درآمد. لرد بایرن در سال ۱۸۱۸ در زمان آغاز نگارش شاهکارش در شهر ونیز سکونت داشت و دو فصل اول آن را در پانزدهم جولای سال ۱۸۱۹ به صورت گمنام به چاپ می‌رساند. جرج براندز با اشاره به وقایع پس از نگارش دو فصل اول کتاب چنین توضیح می‌دهد: "پس از آنکه

دستنویس دو فصل اول کتاب به انگلستان رسید، بایرن با [عکس العمل] سیلی از دوستان و منتقدانی که آن را خوانده بودند^۱ (براندرز، ۱۹۵۷، ص ۳۴۱) مواجه می‌گردد البته چنین واکنش‌هایی به هیچ وجه دوستانه نبودند و در میان آن‌ها نامه‌هایی از اشخاصی بهت‌زده و مایوس وجود داشت که خواستار ایجاد تغییر و حذف بخش‌هایی از شعر بودند.

برای مثال، نامه ذیل توسط دو نفر از اعضای سندیکای ناشران به نام‌های ویلیام گیفورد^۱ و جرج کرب^۲ به جان موری^۳ ناشر دو فصل اول دون ژوان که وابستگی‌هایی نیز به حزب محافظه کار داشت نوشته شده است. نویسندگان نامه ضمن تمجید از هنر لرد بایرن در دو فصل آغازین دون ژوان نسبت به انحراف و عدم رعایت مضامین اخلاقی در شعر ابراز نگرانی می‌کنند.

امروز فصل دوم را خواندم، و از اینکه می‌دیدم این همه زیبایی این چنین با بی‌بندوباری و انحراف از بین می‌رود طاقت خود را از دست دادم. اندکی مراقبه و تغییر آن را در زمره برترین‌ها قرار خواهد داد... بایرن یکی از برجسته‌ترین نویسنده‌های عصر می‌باشد (یا می‌تواند باشد). من در زندگی خود سه نفر را شایسته تمجید دیده‌ام - مردانی که در فر و شکوه کسی به آن‌ها نخواهد رسید. پیت^۴، نلسون^۵ و ولینگتون. اخلاقیات و مذهب دوستان [لرد بایرن] را در جایگاه چهارم عصر حاضر قرار می‌دهد... اما همه این‌ها [گفتمان موجود در دون ژوان] این جایگاه را از وی خواهد گرفت (اسمایلز، ۱۹۸۱، ص ۴۰۴).

علاوه بر اصحاب نشر خیل عظیمی از شاعران هم عصر لرد بایرن نیز در کسوت منتقدان دون ژوان ظاهر شده و اصول اخلاقی شعر را زیر سؤال بردند. رابرت سوئی در مقدمه مرثیه‌اش در مرگ جورج سوم بایرن را عامل آلودگی شعر انگلیسی می‌داند و کسانی را که چنین کتاب‌هایی را چاپ و یا خریداری می‌کنند مورد نکوهش قرار می‌دهد.

1 William Gifford

2 George Crabbe

3 John Murray

4 William Pitt

5 Horatio Nelson

ادبیات انگلستان به مدت بیش از نیم قرن به دلیل پاکی در اخلاق و بهبود رفتار ملی متمایز و برجسته بود. یک پدر بدون واهمه از وجود هتاکی هر کتابی را که از زیر چاپ بیرون آمده بود در اختیار فرزندانش قرار می داد. ... این موضوع به ویژه در مورد شعر نیز صادق بود. اما دیگر چنین چیزی وجود ندارد. وای بر کسانی که منشأ شرارت هستند! هر چه فرد شریر با استعدادتر باشد خطایش بیشتر است و شرم و رسوایی اش جاودانه تر خواهند بود. این قوانین هستند که در ذات خود قابلیت فروکش کردن این هتاکی عظیم را ندارند و یا در اجرای قوانین قصور و سستی وجود دارد و چنین است که شهرت فرد هتاک به امتیازی تبدیل می شود که برای وی مصونیت ایجاد می کند. این را باید به خاطر داشته باشیم که اگر مردم جامعه از چنین آثار زهرآگینی استقبال نمایند این کتابها نه تنها چاپ نمی شوند بلکه هرگز به رشته تحریر در نمی آیند. پس هر کسی که چنین کتابهایی را خریداری نماید و یا آنها را به خانه خود راه دهد مشوق و حامی چنین جنایتی شده است.

(کوچران، ۲۰۱۰، صص ۲۱۰-۲۰۹)

در مواجهه با چنین انتقادهایی، موری که به هیچ وجه قصد نداشت موقعیت خود را به مخاطره اندازد تصمیم می گیرد با ارسال نامه‌ای از نویسنده درخواست کند تغییراتی در محتوای اثر ایجاد کند. جین استبلر^۱ بیان می دارد که موری بنا به ملاحظاتی تصمیم می گیرد که متن نامه را اندکی ملایم تر بنویسد، زیرا بایرن در نامه‌ای به وی تذکر داده بود که "قانونی بین ما حاکم خواهد بود و آن این است که شما ناشر من هستید مگر اینکه بین ما مجادله درگیرد" (استبلر، ۱۹۹۵، ص ۸۳). در نتیجه، موری نامه‌ای به بایرن می نویسد و از او درخواست می کند که بخش‌هایی از *دون ژوان* را حذف نماید. بایرن در پاسخ به موری می نویسد که اگر منتقدان می گفتند که شعرش شعر بدی است می پذیرفت. اما این درحالی است که آنها خلاف آن را می گویند. بایرن چنین ادعا می کند که اثرش حاوی بالاترین ارزش‌های اخلاقی است و این مشکل مردم است که قدرت درک مضامین اخلاقی را ندارند. وی در خاتمه بیان می کند که

حاضر به تغییر شعرش نیست و موری می‌تواند آن را بدون اشاره به نام شاعر به چاپ رساند (براندز، ۱۹۵۷، ص ۳۴۲).

واکنش‌های منفی به شعر بایرن به حدی می‌رسد که موری دیگر قادر نبود آن‌ها را تحمل کند. "موری که با بی‌میلی اقدام به چاپ فصل‌های سوم و پنجم *دون ژوان* در سال ۱۸۲۱ کرده بود از چاپ فصل‌های ششم، هفتم و هشتم خودداری کرده" (استیبلر، ۱۹۹۸، ص ۲۴۸) و ضمن پس فرستادن آن‌ها عاجزانه از بایرن می‌خواهد که در شعرش تغییراتی ایجاد نماید. واکنش لرد بایرن در برابر موج عظیم منتقدان را در ایستادگی، مقاومت و سرخم نکردن در برابر زر و زور می‌توان یافت. این روحیه تسلیم‌ناپذیری در برابر رنج و مشقت را در زندگی شخصی لرد بایرن نیز می‌توان یافت؛ به‌گونه‌ای که نامه او به داگلاس کینراد در تاریخ ۲ می ۱۸۲۲ حاکی از اطلاع وی از شرایط موجود است:

من تسلیم قیل و قال‌ها نخواهم شد. آن‌ها از من تنفر دارند و من نیز از آن‌ها منزجرم... اما آن‌ها قادر نخواهند بود حرکت افکار من را متوقف کنند. همچنین نخواهند توانست مانع از این شوند که به این ستمگران خودکامه که تلاش می‌کنند همه افکار [آزاداندیش] را لگدکوب کنند، نهیب زنم که تاج‌هایشان بر پایه و اساسی بسیار سست استوار است (مارچ‌اند، ۱۹۷۳-۹۴، ص ۲۲۳).

شایان ذکر است منتقدان معاصر بر این باور هستند که *دون دوژان* حاوی مضامین اخلاقی نیز هست که تجلی آن را در میل بی‌حد و حصر شاعر به آزادی و تنفر وی از ریا، تزویر و صاحبان زر و زور می‌توان یافت. برای نمونه، هلن گاردنر به وجود نوعی مضامین اخلاقی در شعر اشاره می‌کند که در *دون ژوان* لرد بایرن "بدون شک به تحسین صفاتی از جمله شجاعت، سخاوت، صداقت و شفقت و نکوهش صفاتی از جمله قساوت، فرومایگی و در رأس آن‌ها خودبزرگ‌بینی و دورویی می‌پردازد" (گاردنر، ۱۹۹۸، ص ۳۱۰) که نمونه‌های آن را به‌وضوح در ابیات مربوط با محاصره شهر ترک‌نشین اسماعیل توسط ارتش روسیه و قساوت سربازان روسی می‌توان یافت. علاوه بر استقامت و پایداری در برابر قدرتمندان، لرد بایرن امید به

رستگاری و نجات را در عشق و نوع دوستی می بیند. لیلا^۱ دخترک خردسال ترکی است که پس از سقوط شهر اسماعیل به دست ارتش روسیه در تلاش است خود را از چنگال درندگان در کوهی از کشتگان پنهان کند. در این حین دو قزاق که "خرس از آنها متمدن تر و گرگ میانه رو تر است" (بایرن، ۱۹۷۳، ۹۲، VIII) او را می بینند و با شمشیرهای از نیام بیرون کشیده به سوی او حمله ور می شوند. ژوان به کمک وی می شتابد و در اینجاست که حس نوع دوستی و شفقت در وی بیدار می شود و دریچه ای نو به سوی او گشوده می شود. البته وجود این ایستادگی در لرد بایرن و میل بی حد و حصر وی به آزادی و آزاداندیشی و تنفر شدیدش از ریا و دورویی او را در معرض سیاست جداسازی قدرت سیاسی قرار می دهد و به حاشیه می راند به گونه ای که وی محکوم به فساد و بی بند و باری شده و از سایر شاعران هم عصرش جدا می شود.

نتیجه گیری

این مقاله در پی آن بود که پاسخی به علت به حاشیه راندن لرد بایرن توسط هم عصرانش ارائه نماید. آنچه لرد بایرن را از سایر هم عصرانش مجزا می سازد وجود نوعی گفتمان بدبینانه در کلام این شاعر بزرگ نسبت به انسان و سرنوشتش است که نمونه های آن را در شاهکارش *دون ژوان* می توان جست. شاعران رمانتیک کمال گرایانی در جستجوی آرمان شهر و جامعه آرمانی بودند. آن ها این آرمان شهر را ابتدا بر پایه انقلاب فرانسه و پس از ظهور ستمگری جفاییشه چون ناپلئون بناپارت و سرخوردگی از حوادث پس از انقلاب فرانسه در عنصر رؤیا و همچنین در هزیمت سپاه فرانسه توسط قهرمانان ارتش بریتانیا بنا کردند. لرد بایرن بر خلاف سایر هم عصرانش زمانه خویش را فاقد قهرمان و اعمال قهرمانانه می داند و درون مایه بدبینی در شاهکارش *دون ژوان* مشهود است. ذکر این نکته ضروری است که لرد بایرن *دون ژوان* را شعری حماسی خطاب کرده است؛ در حالی که *دون ژوان* که از اعماق تاریخ فراخوانده شده است تا نقش قهرمان شاهکار حماسی لرد بایرن را بر عهده بگیرد به هیچ عنوان شایستگی تصاحب عنوان قهرمان حماسه را ندارد و از تمامی خصائل قهرمان شعر حماسی بی بهره است.

علاوه بر آن بایرن مدافعان حذف ناپلئون را افرادی متملق و سودجو خطاب می‌کند که تنها به فکر منافع شخصی خود می‌باشند. در خاتمه، پاسخ لرد بایرن به سیل هجمه‌ها و انتقادهای هم‌عصرانش ایستادگی و پایداری است که به حاشیه رانده شدن وی، ترک انگلستان و زندگی در تبعیدی خودخواسته منجر می‌گردد.

کتابنامه

- Abrams, M.H.(1957). *A Glossary of Literary Terms*. Orlando: Harcourt Brace College Publishers.
- , et al. ed. (1993). *The Norton Anthology of English Literature*. New York: W.W. Norton & Company.
- Bennett, Betty. (1976). *British War Poetry in the Age of Romanticism: 1793-1815*. New York and London: Garland.
- Blake, William. (1907). *The Prophetic Books*. Ed. Mac lagan and Russell. London: A. H. Bullen.
- Brands, Georg. (1957). *Naturalism in Nineteenth Century English Literature*. New York: Russell & Russell.
- Byron, George Gordon, Lord.(1926). *The Vision of Judgment*. Great Britain: Cambridge Plain Text.
- Byron, George Gordon, Lord.(1973). *Don Juan*. Great Britain: Penguin Education.
- Carlyle, Thomas.(2001). *Sartor Resartus: The Life and Opinions of Herr Teufelsdröckh*. USA: Pennsylvania State University.
- Cochran, Peter.(010). *Byron and Bob Lord Byron's Relationship with Robert Southey*. Newcastle: Cambridge Scholars.
- Duff, David.(1998). "From Revolution to Romanticism: The Historical Context to 1800." *A Companion to Romanticism*. Ed. Duncan Wu. Oxford, UK: Blackwell.
- Eagleton, Terry. (2008). *Literary Theory: An Introduction*. USA: Blackwell Publishing.
- Eliot, T. S. (1975). "Byron." *English Romantic Poets: Modern Essays in Criticism*. Ed. M. H. Abrams. Oxford.
- Fry, Paul H. (2002). "Jeffreyism, Byron's Wordsworth and the Nonhuman in Nature." *British Romanticism and the Edinburgh Review*. Ed. Massimiliano Demata & Duncan Wu. New York: Palgrave Macmillan.
- Gardner, Helen. (1975). "Byron." *English Romantic Poets: Modern Essays in Criticism*. Ed. M. H. Abrams. Oxford.

- Marchand, Leslie, ed. (1973-74). *Byron's Letters and Journals*. London: John Murray.
- Southey, Robert. (1899). *The Poetical Works of Robert Southey*. Great Britain: London, Brown, Green, & Longmans.
- Smiles, Samuel, ed. (1981). *A Publisher and his friends: Memoir and Correspondence of the Late John Murray*, London: John Murray.
- Stabler, Jane. (1998). "George Gordon, Lord Byron, Don Juan." *A Companion to Romanticism*. Ed. Duncan Wu. Oxford, UK: Blackwell.
- .(1995). "Pit-bull Poetics: One Battle in Byron's War in Words". *Romanticism*. Great Britain: Edinburgh University Press.

